

سناریوهای رسانه ای جنگ لبنان علیه ایران

دکتر محمد سلطانی فر

وجود تلویزیونهای ماهواره‌ای جهانی بیست و چهارساعته و اینترنت در بحران اخیر لبنان، جنگ رسانه‌ای را به بخش ضروری در جنگ تبدیل کرده است. در جنگهای نوین، تلویزیون ابزاری مهم است. طرفهای درگیر جنگ به خوبی می‌دانند که از این رسانه چگونه استفاده کنند. دوربینها همزمان با ثبت و ضبط ویرانیه‌ها و کشتار، تریبون لازم تبلیغاتی را در اختیار طرفها قرار می‌دهند. مبارزه رسانه‌ای طرفین به گونه‌ای است که جملگی خبرنگاران را دعوت می‌کنند تا آنچه را که در مناطق تحت کنترل آنها اتفاق افتاده است، نشان دهند و گزارش کنند.

در درگیریهای اخیر لبنان اما، برخلاف جنگ نیروهای آمریکا در افغانستان علیه طالبان و عراق پیشگامی در پرداختن به عناصر «چگونه» و «چرا» که بیشتر در تحلیلهای آنها استفاده می‌شود، نسبت به عناصر خبری «چه» «چه وقت» و ... زمینه‌ای را فراهم کرد تا سناریوهای رسانه‌ای از همان آغاز جنگ طراحی و به اجرا گذاشته شوند؛ سناریوهای تحلیلی که شاخص‌ترین ویژگی آنها انعطاف‌پذیری شان نسبت به اخبار روز بود. برنامه‌ریزی خبری بر پایه سناریو، روشی منظم و منضبط است که به ویژه در مواقع بحران و جنگ توسط رسانه‌های جهانی به کار گرفته می‌شود. در این نوع برنامه‌ریزی از سناریوهای منعطف و دارای نسخ متعدد، معمولاً در بطن تغییرات شتابان، شرایط فوق‌العاده پیچیده و در مواقع عدم قطعیت‌های متعدد استفاده می‌شود. با بهره‌گیری از این روش، مدیران خبری با نگاه به رویدادهای غیرمنتظره در آینده و درک عمیق پیامدهای احتمالی آنها، چندین داستان یا روایت متمایز درباره آینده‌های ممکن را کشف و "تعریف" می‌کنند. اگر هنگام تدوین سناریوهای خبری، تفکر جدیدی مطرح شود، آنگاه اصلاً مهم نیست که در آینده چه اتفاقی خواهد افتاد، زیرا سازمان خبری در مقابل «هراتفاقی» آماده است و می‌تواند بر مسیر اتفاقات آینده تاثیرگذار باشد. در برنامه‌ریزی بر پایه سناریو همچنین تلاش می‌شود براساس فهم دلالت‌های انتخاب‌های امروز، راههای اثرگذاری بر پیامدهای آتی این انتخابها در آینده کشف شوند.

در جریان بحران اخیر لبنان نیز، تحلیلهای رسانه‌های جهانی آمریکا و اسرائیل، برای تکمیل خبرها و گزارشهای جاری خود به دنبال بهره‌برداری از جریان رسانه‌ای اخیر، درصدد ساخت سناریوهای جنگ روانی علیه ایران برآمدند و این روند همچنان ادامه دارد.

اگر سناریوها را راههایی برای فکر کردن در مورد آینده بدانیم - که هر یک به بخش خاصی از آینده نظر دارند - تحلیل و کشف سناریوهای منعطف، مختلف و مستتر در محتوای رسانه‌های آمریکای آمریکا و اسرائیل علیه ایران، نکات قابل توجهی را پیرامون تصمیمهای آتی آنها در مورد ایران و نیز خاورمیانه آشکار خواهد ساخت.

تاکتیکهای محتوایی جنگ لبنان

جنگ لبنان مرحله دوم طرح خاورمیانه بزرگ

از تحلیلهای مقامات در رسانه‌های آمریکا چنین استنباط می‌شود که حمله انتقام‌جویانه اسرائیل به مواضع حزب الله در جنوب لبنان نه فقط اقدامی در جهت مهار این گروه شبه‌نظامی بلکه آغازی برای اجرای مرحله دوم طرح خاورمیانه بزرگ توسط آمریکا و متحدانش بود.

طرحی که تضعیف چهره گروههای اسلام‌گرای فلسطینی و لبنانی و به تبع آن ایجاد تحرکی تازه در روند صلح اعراب و اسرائیل را در رسانه‌های آمریکا دنبال می‌کند و از دیگر سو، تحت فشار قراردادن دولتهای ایران و سوریه را برای همسو شدن با نظم منطقه ای جدید هدف قرار داده است.

رسانه های امریکایی در تلاشند تا این گونه جا بیندازند که رفع بن‌بست در روند صلح بین اسرائیل و فلسطینیها، قاعدتاً منجر به بهبود روابط اسرائیل با اغلب کشورهای عرب خواهد شد و ایران و سوریه را در منطقه منزوی تر خواهد کرد.

گسترش حوزه بحران از لبنان به خاورمیانه

انتخاب تیتراژ واحد « بحران خاورمیانه » به جای «بحران لبنان»، به عنوان تیتراژ کلی و هدایتگر مجموعه گزارشها، اخبار و تحلیلهای مرتبط با جنگ در لبنان و اسرائیل - و تکرار آن به صورت زیرنویس هنگامی که خبر مرتبط با آن منتشر شد - خود نشانی از طراحی و ساخت سناریویی علیه ایران است. معمولاً تیتراژ کلی و واحد در اغلب رسانه ها به گونه ای طراحی می شود که:

۱. موضوعات مختلف مرتبط را با القاء پیامی واحد مطرح کند.

۲. نشان‌دهنده بی طرفی رسانه باشد.

۳. مخاطب را به دنبال این سریال خبری بکشاند و در لحظه لازم پیام مورد نظر خود را به او القا کند.

۴. زیبا باشد اما ایدئولوژی مستتر در آن به صورت مستقیم قابل بازشناسی نباشد.

تیترا «بحران خاورمیانه» Middle East Crisis در اخبار CNN نیز در این راستا قابل ذکر است که علاوه بر این که در متن اخبار و گزارشها دیده می‌شود، به عنوان تیترا اصلی اخبار و گزارشهای مرتبط با جنگ اخیر در لبنان در زیرنویس هم تکرار می‌شود. ساخت این گونه تیتراها به عنوان مفاهیم ایدئولوژیک، معمولاً براساس پارادایمها و اصول و اهداف مدنظر رهبران رسانه‌هاست.

پیگیری سناریوی مقابله با اسلام سیاسی به عنوان مبنای اصلی طراحی پروژه خاورمیانه بزرگ سناریوی دیگری که آمریکاییها در راستای طرح خاورمیانه بزرگ توسط رسانه‌های خود دنبال می‌کنند، این است که غرب از حفظ خاورمیانه به عنوان جایگاهی برای اعراب و نه یک امپراطوری مذهبی برای ایران حمایت می‌کند. زمینه‌سازی برای این سناریو نیز با طرح تیتراهای عمده و بزرگ در رسانه‌های مطرح با عنوان «ایران به دنبال کسب قدرت برتر در خاورمیانه» دنبال می‌شود.

مقابله با ایران به عنوان کشور خواهان امپراطوری مذهبی در خاورمیانه در واقع ادامه مبارزه با اسلام سیاسی است که بعد از انقلاب اسلامی به عنوان هدف اصلی مقابله با ایران از سوی آمریکا طرح‌ریزی شده است. پیش از این، در دوران جنگ سرد عوامل تهدیدزا برای ایالات متحده، گسترش نفوذ شوروی و کمونیسم بود. اما در پی چرخش سیاست خارجی آمریکا پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، شاخص اساسی تهدیدها، ظهور «اسلام سیاسی» در تفکر و رفتار مسلمانان شناخته شد.

به این ترتیب دکترین سیاست خارجی آمریکا در سالهای ۲۰۰۱-۲۰۰۳ تحت عنوان «دکترین لوییز» در ظاهر خواهان افشاندن بذر دموکراسی در کشورهای فروافتاده خاورمیانه برای بی‌اثر کردن تروریسم مطرح شد. اما در واقع از دیدگاه نظریه پردازان طرح خاورمیانه بزرگ، آنچه در حوزه این کشورها تهدید اصلی علیه امنیت و بقای رژیم صهیونیستی و تثبیت هژمونی ایالات متحده در قرن ۲۱ محسوب می‌شود، رفتار جدید مسلمانان در نتیجه تحول بنیادین فرهنگ و اعتقاد سیاسی آنان است.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، ایده تنظیم رفتار جمعی در سپهر همگانی براساس آموزه‌های دینی، تبدیل به کانون الهام‌بخش تنظیم رفتار جمعی مسلمانان به صورت مقابله با موجودیت رژیم صهیونیستی و عدم تمکین در برابر سیطره ایالات متحده بر جهان و نیز خاورمیانه شده است.

آنچه نقش و جایگاه انقلاب ایران را در ادبیات سیاسی غرب برجسته کرد، وارد شدن مؤلفه «اسلام سیاسی» در معادلات بین‌المللی است. اسلام سیاسی که غربیها از آن تحت عنوان «اسلام ستیزه‌جو» نیز یاد می‌کنند،

مهم و متأثر از مبانی و اصول بنیادین انقلاب اسلامی ایران است. و این همان عامل اساسی نگرانی غرب در مواجهه با جهان اسلام است.

بنابراین برای متزلزل کردن آگاهی و بیداری مسلمانان جهان می‌بایست به سراغ سرچشمه این بیداری رفت و این سرچشمه همان «انقلاب اسلامی» و الگوی الهام بخشی آن در سپهر همگانی است. بر بنیان چنین شرایطی بود که جمهوری اسلامی ایران به عنوان جدی‌ترین و خطرناک‌ترین جانشین شوروی سابق، نگاه غرب - به رهبری آمریکا - را به خود معطوف کرد.

برنارد لوئیز در ماههای منتهی به ۱۱ سپتامبر در کتاب خود «ریشه های خشم مسلمانان» استدلال کرد، که اسلام سیاسی در خاورمیانه دارای پایگاه مهمی مانند ایران است. در ایران به دلیل آموزه های انقلاب، دین از سیاست جدا نیست و این درهم تنیدگی دین و سیاست، ابعادی ستیزه جویانه به نگرش ملت‌های خاورمیانه نسبت به جهان غرب داده است.

در چنین شرایطی بود که دولتمردان آمریکایی با ابتکار طرح «خاورمیانه بزرگ» در صدد مهار موج فزاینده غرب ستیزی برآمدند. از این دیدگاه، صحنه اصلی نبرد جهانی با تروریسم، در حوزه خاورمیانه بزرگ قرار دارد و برای دستیابی به «امنیت مطلق» در قبال تهدیدات یاد شده، باید این نبرد روی «ریشه های تروریسم» در خاورمیانه متمرکز شود. اضافه کردن لفظ «بزرگ» به «خاورمیانه» برای دربرگرفتن کشورهای مسلمان فراتر از خاورمیانه عربی مانند پاکستان، افغانستان، آسیای مرکزی، ایران و ترکیه است.

هلال شیعی

بهره‌گیری از اصطلاح «هلال شیعی» در تحلیلهایی که در پی بحران لبنان در رسانه های اسرائیلی و آمریکایی شایع شد، جملگی تلاشی در راستای جلب اعراب محافظه کار سنی است که از هرگونه گسترش تفکر شیعی در منطقه نگران هستند. نگرانی‌ای که بیشتر از سوی آمریکا و اسرائیل به اعراب القاء می‌شود. اما در واقع نگرانی ایالات متحده برای ایجاد دموکراسی در کشورهای شیعه‌نشین، به این دلیل است که این طرح ممکن است موجب بیداری مسلمانان به ویژه شیعیان گردیده و اشتیاق آنها را برای نوع جدیدی از اسلام گرایی بازسازی شده در خاورمیانه، تحریک کند. از سوی دیگر این امکان وجود دارد که به دلیل شکل‌گیری هلال شیعه، هرگونه سیاست آزادی‌خواهی در کشورهای بزرگ اسلامی در منطقه خاورمیانه، فرصت جدیدی برای احیای هویت شیعی ایجاد کند.

در واقع آمریکا و اسرائیل در حال حاضر در راه اجرایی ساختن طرح «خاورمیانه بزرگ» با اصلاحات بدون اصلاح طلبان مواجه است. مشکل بعدی ایالات متحده چگونگی فراهم کردن محیط برای پذیرش هماهنگی بین تلاش‌های منطقه‌ای و فعالیتهای آمریکا در این راستاست.

ایران طراح و حامی جنگ لبنان

فضاسازی درباره نقش ایران در بحران لبنان، در رسانه‌های غرب به ویژه اسرائیل و آمریکا شدت یافت. به بیان سی.ان.ان همزمان با آن که اسرائیل حزب الله را در لبنان هدف قرار می‌دهد، انگشت اتهام را به سوی ایران و سوریه نیز نشانه می‌رود. در این راستا رسانه‌های اسرائیل و آمریکا در بخشهای مختلف گفت‌وگوهای کارشناسی و گزارشها، جنگ روانی جدیدی علیه جمهوری اسلامی ایران به راه انداخته‌اند. ارائه تصاویری در مورد آمادگیهای نظامی ایران بسیار قابل توجه است. رسانه‌های رادیکال آمریکا و اسرائیل تلاش دارند اذهان مخاطبان را به این سو هدایت کنند که حزب الله یک گروه تروریستی کوچک در لبنان نیست بلکه ارتش چریکی آموزش دیده و مسلح شده ایران است که به دنبال همان هدفی است که رئیس‌جمهور ایران هر روز آن را علناً اعلام می‌کند، و آن نابود کردن اسرائیل است. این شبکه‌ها بارها سخنان بوش را پخش می‌کنند که اظهار می‌دارد سوریه و ایران از حزب الله حمایت مالی می‌کنند و فعالیتهای آن را ارتقاء می‌بخشند. وی تأکید می‌کند که حزب الله از طریق حامیانش ایران و سوریه تلاش می‌کند پیشرفت دموکراسی را متوقف کند. تلاش این است که نشان داده شود حزب الله به خوبی به وسیله نیروی نظامی ایران آموزش دیده و تجهیز شده است.

ارتباط مستقیم پرونده هسته ای ایران با بحران لبنان

بسیاری از تحلیلگران آمریکایی از آغاز بحران خاورمیانه، با تکرار برخی ادعاها از جمله حمایت مالی و تسلیحاتی ایران از حزب الله لبنان تأکید دارند که ایران با این اقدامات، به دنبال پیشبرد سیاست هسته‌ای خود، دور کردن توجه جامعه جهانی از مسئله هسته‌ای و تثبیت نقش و جایگاه خود در منطقه خاورمیانه است.

اغلب تحلیلهای رسانه‌ای آمریکا و اسرائیل حول این مطلب ارائه می‌شوند که جمهوری اسلامی ایران برای منحرف کردن توجه سران هشت کشور صنعتی جهان از برنامه هسته‌ای خود، حزب الله لبنان را برای آغاز جنگ با اسرائیل تحریک کرده است.

بحران لبنان؛ جنگ واقعی میان ایران و آمریکا

آنچه که این روزها بیش از پیش در رسانه‌های آمریکا و اسرائیل بر آن تأکید می‌شود، این نکته است که درگیری جاری بین اسرائیل و حزب الله در واقع جنگی است غیر مستقیم بین آمریکا و ایران. از این دیدگاه هر آنچه در لبنان اتفاق بیفتد، یک درگیری است که ادامه دارد و مهمتر اینکه جنگی است برای نفوذ بیشتر در منطقه از سوی دو طرف واقعی جنگ یعنی ایران و آمریکا.

در راستای این سناریو، روزنامه واشنگتن پست چندین بار این ادعا را مطرح کرده است که ایران تلاش می‌کند از طریق حزب الله، اسرائیل و آمریکا را وارد یک منازعه نظامی کند و به این ترتیب آنها را در جامعه جهانی منزوی سازد. روزنامه‌های نیویورک تایمز، وال استریت ژورنال و نیز بوستون گلوب در سرمقاله‌های مشابهی نسبت به دست داشتن ایران در درگیری‌های اخیر هشدار داده‌اند.

برجسته سازی گزاره تبلیغی جنگ غیرمستقیم رژیم صهیونیستی با ایران و سوریه محافل سیاسی و رسانه‌ای غرب با تداوم بحران و آشکار شدن ناتوانی رژیم صهیونیستی در مقابل مقاومت حزب الله لبنان، می‌کوشند شکست رژیم صهیونیستی را توجیه و در عین حال ایران و سوریه را به عنوان عوامل بی ثباتی در خاورمیانه معرفی کنند. نکته قابل توجه آن که این رسانه‌ها می‌کوشند از گزاره تبلیغی ادعای دخالت ایران در تحولات لبنان برای بزرگنمایی تهدید برنامه هسته ای ایران برای خاورمیانه و جامعه جهانی بهره برداری کنند.

فضاسازی برای تروریستی جلوه دادن مقاومت حزب الله لبنان و حمایت ایران از تروریسم رسانه‌های آمریکا و اسرائیل می‌کوشند تا برای غیرمشروع جلوه دادن مقاومت حزب الله لبنان، ردپای گروه تروریستی «القاعده» را در تحولات لبنان پیدا کنند. طرح ادعایی مبنی بر تشکیل گروه‌های شبه نظامی از سوی سعد بن لادن برای حمایت از حزب الله، در این راستا قابل ارزیابی است. همزمانی حملات تروریستی با پروازهای لندن به آمریکا نیز در این راستا قابل بررسی است.

رسانه‌های آمریکا و اسرائیل به این دیدگاه که از حزب الله ارائه می‌دهند می‌افزایند: ایران در صورتی که به بمب هسته‌ای مجهز شود، حمایت هسته‌ای این کشور از تروریسم جهانی چه فجایی که به بار نخواهد آورد.

بزرگنمایی تهدید جمهوری اسلامی برای جامعه جهانی و القای ضرورت رویارویی با ایران

محافل صهیونیستی، حزب‌الله لبنان را به عنوان نمونه کوچکی از تهدید ایران برای صلح جهانی ترسیم می‌کنند و مدعی هستند که اگر سرکوب حزب‌الله توأم با رویارویی بین‌المللی با جمهوری اسلامی نباشد، در حکم پیروزی موقت خواهد بود.

در عین حال به نظر می‌رسد محافل سیاسی و رسانه‌ای صهیونیستی، سناریوی وارد کردن ایران به جنگ را پیگیری می‌کنند و می‌کوشند دامنه جنگ را گسترش دهند.

پوشش خبری برنده و بازنده جنگ

بلافاصله پس از آتش‌بس اعلام شده توسط سازمان ملل رسانه‌های دنیا در پی این موضع برآمدند که اعلام کنند چه کسی برنده و چه کسی بازنده جنگ ۳۳ روزه حزب‌الله... و اسرائیل بود.

با رصد کردن رسانه‌های غرب، منطقه و خاورمیانه، کلیات اولیه‌ای که حاصل می‌شود آن است که:

الف: رسانه‌های حامی اسرائیل علی‌الخصوص آمریکا و انگلیس با اعلام موضع برنده بودن اسرائیل در خاتمه جنگ اعلام کردند که نتایج این جنگ نشان داد که ایران حامی همه‌جانبه حزب‌الله... است و باید در مسیر پرونده هسته‌ای ایران دخالت این کشور در اوضاع خاورمیانه هم مدنظر قرار گیرد. آنها اعلام نمودند که جنگ اخیر درد زایمان طرح خاورمیانه است و نشان داد که در این مسیر از چه خط و جریانی باید عبور کرد.

این رسانه‌ها ضمن رد هرگونه شکست از سوی اسرائیل آن را نوعی آمادگی جهت برخورد‌های سنگین آینده در طرح خاورمیانه بزرگ تلقی نمودند.

ب: رسانه‌های طرفدار حزب‌الله...، این آتش‌بس را جشن پیروزی اعراب بر اسرائیل برای اولین بار در طول تاریخ، ایجاد حمیت و هویت اسلامی مجدد و همچنین ایجاد نقطه اتحاد برای مسلمانان تلقی کردند.

آنها شکست هیمنه ارتش خیالی و شکست‌ناپذیر اسرائیل را با نشان دادن تانک‌های مرکاوا و تجهیزات دیگر اسرائیل و شهرهای تبدیل شده به خرابه را جزو دستاوردهای یک گروه کوچک چریکی دانستند که می‌تواند عظیم‌ترین ماشین نظامی غرب را در هم بکوبد.

رسانه‌های کشورهای اسلامی حتی غیرعرب نظیر مالزی و اندونزی از نوع این دسته‌بندی‌هاست.

ج: رسانه‌های بی‌طرف و آسیایی اعلام کردند که این جنگ به دلیل تخریب مناطق غیرنظامی و تلفات سنگین روی آنها و عدم دستیابی به هیچیک از اهداف اسرائیل و حزب‌الله... مبنی بر آزادی اسرا و اشغال مناطق، هیچ پیروزی را در بر نداشت، رسانه‌های چین و روسیه از نوع همین دسته‌بندی‌ها می‌باشند.

د: نوع چهارم رسانه‌ها (این رسانه‌ها به یک نوع واقع‌بینی پرداختند) رسانه‌های برخی از کشورهای عربی نظیر امارات و حتی کویت که در گذشته به دلیل شیعی بودن حزب... مخالفت علنی خود را هم‌راستی عربستان با جنگ اعلام کردند این بار نتوانستند در این جنگ به حداقل پیروزی نسبی حزب... اقرار نکنند. آنها اعلام کردند که اگر این جنگ حتی برنده نیز نداشته باشد اما یک واقعیت در آن نهفته است و آن این است که این اولین جنگ مسلمانان و اسرائیل است که اسرائیلی‌ها از آن با پیروزی بیرون نیامدند. این اقرار زیباترین دلیل پیروزی مقاومت در لبنان به رهبری حزب... بود که بیان آن توسط رسانه‌های کشورهای عربی نوعی پوزش از موضعگیری‌های قبلی آنها تلقی می‌گردد. این رسانه‌ها در سابقه‌نویسی تاریخ جنگ‌های اعراب و اسرائیل از جنگ‌های ۱۹۴۸، ۱۹۶۷ و ۱۹۸۲ به عنوان جنگ‌هایی یاد کردند که در آن اعراب حتی نتوانستند ۶ روز مقاومت کنند و با ۴۰ هزار اسیر کل صحرای سینا را واگذار نمودند و یا در جنگ ۱۹۸۲ اسرائیل توانست تا عمق خاک لبنان در صبرا و شتیلا نفوذ کند و هزاران فلسطینی را کشته و آواره کند و این جنگ اولین جنگی است که اسرائیل حداقل نمی‌تواند ادعای پیروزی یا کسب موضع سرزمینی را به رخ حریف بکشد.

فضاسازی برای کم‌اهمیت جلوه دادن پیروزیهای حزب الله لبنان در پی آگاهی جهانیان نسبت به واقعیت شکست اسرائیل در جنگ، رسانه‌های امریکایی و صهیونیستی همان‌طور که از ابتدای بحران به صورت هدفمند به بازتاب تحولات تهاجم رژیم صهیونیستی به لبنان و مقاومت اسلامی حزب الله می‌پرداختند، کوشیدند تا پیروزی‌های حزب الله را کوتاه مدت دانسته و در دراز مدت این گروه را شکست خورده واقعی جنگ اخیر جلوه دهند.

راهکار چیست؟

پویایی رسانه‌ای و طراحی سناریوهای مقابله با سناریوهای جاری، تنها راه حل موجود برای مقابله با سناریوهای رسانه‌های دشمن هستند. سناریوهای مقابله نیز باید ویژگیهای سناریوهای برتر را داشته باشند تا پیروز شوند. سناریوهای برتر خبری دارای ویژگیهای زیر هستند:

- یک سناریوی برتر خبری غیب‌گویی، فال‌گیری، پیشگویی یا پیش‌بینی نیست بلکه زنجیره‌ای منطقی و مستدل از رویدادهایی است که از استمرار روندهای مشخص خبری و یا تحقق واقعتهای مشخص ناشی می‌شود.

- در هرگونه برنامه‌ریزی خبری برپایه سناریو، لزوماً باید چندین سناریوی مختلف و متمایز خبری، تهیه شوند تا بدین ترتیب دامنه‌ای گسترده از آینده‌های مختلف پوشش داده شده و تقریبی قابل اطمینان از

روندهای خبری آینده به دست آید. باید توجه داشت که محدودیتهای موجود رسانه‌ای ما درباره تعداد سناریوهای خبری، بیشتر از محدودیتهای ادراکی، تحلیلی و شناختی نشأت می‌گیرد و نه محدودیتهای مربوط به پیچیدگیهای بحران واقعی.

- سناریوهای خبری همیشه حاوی بعضی مطالب هستند که جهان بینی و ساختاری نوین را به همراه دارند. در غیر این صورت طراحی و اجرای آنها براساس ساختار ذهنی قدیمی رسانه بی‌تاثیر باقی خواهند ماند. بنابراین هنگام تدوین گروهی از سناریوهای خبری، طراحان خبری باید عادت‌ها و چارچوبهای فکری خود، همکاران و حتی مخاطبان را به چالش بکشند.

منابع:

1. Attack the Roots of Terrorism

۲. کتاب امریکا ویژه دکترین امنیت ملی آمریکا، انتشارات موسسه ابرار معاصر تهران، تهران، ۱۳۸۴، صص ۳۶۸ - ۳۶۹.
۳. سخنرانی دیک چنی در مورد «دموکراسی در خاورمیانه بزرگ» در مجمع جهانی اقتصاد-۲۰۰۳

